

# تجارت ساسانیان از خسرو اول تا پایان سلطنت خسرو پرویز (۶۲۸-۵۳۱ م.)

دکتر ناصر جدیدی<sup>۱</sup>  
ساسان زارع<sup>۲</sup>

## چکیده

شاهنشاهی ساسانی با سیاست تجاری بخش های وسیعی از دنیا ی باستان را تحت تاثیر قرار داد. از سلطنت خسرو اول تا اواخر حکومت ساسانیان مهمترین دهه های رونق تجارت است. تجارت به عنوان یک ابزار در مقابل دیگر قدرتها استفاده کردند. خسرو اول با تسلط بر مناطق تجاری در کنار دریایی سیاه و امتداد جاده ابریشم توانست در زمان پادشاهی خودش زمینه خوبی برای بازرگانان ایران برای دادوستد فراهم آورد. در زمان هرمز چهارم با وجود کشمکشهای داخلی توانست مناطق تجاری غرب امپراتوری را تحت کنترل قرار دهد. خسرو پرویز با بستن قرار داد صلح با امپراتوری بیزانس توانست سلطه تجاری در مناطق تجاری را حفظ کند. در این مقاله سعی بر آن است تا با تکیه بر عوامل تجاری و سیاست های امپراتوران ساسانی در زمان خسرو اول تا خسرو پرویز پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** ساسانیان، خسرو اول، خسرو پرویز، تجارت، کالا.

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد [n-jadidi@iaun.ac.ir](mailto:n-jadidi@iaun.ac.ir)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد [s\\_zare85@Yahoo.com](mailto:s_zare85@Yahoo.com)

تاریخ شاهنشاهی ساسانی به جزر و مدی دائمی می ماند که سرشار از فراز و نشیبهای غیر قابل انتظار بود در زمان ساسانیان با گسترش شهرنشینی مبادلات تجاری افزایش پیدا کرد و باعث رونق شهرهای تجاری و بازرگانی شد این امر با اصلاحات خسر و اول (۵۷۹-۵۳۱ م) تداوم پیدا کرد. تجارت در زمان ساسانیان در سطح بین المللی گسترش پیدا کرد. تجار و بازرگانان به همراه کشتی های تجاری ایرانی در آن دوره به سرزمینهای دور دست ایرانی در آن دوره به سرزمینهای دور دست آفریقا دست یافتند و توانستند در آن ایام با کشورهای هندوستان و چین روابط تجاری برقرار کنند. شاهنشاهی ساسانی به خاطر موقعیت سرزمین خود و عبور کاروان ها و جاده های تجاری به یک شاهراه تبدیل شده بود. با گسترش امکانات حمل و نقل زمینی و دریایی زمینه ی خوبی را برای تجارت مهیا کرد. از طریق صادرات کالا به دیگر مناطق و واردات کالا مبادلات تجاری خود را وسعت بخشید که درآمدهای زیاد عاید خزانه سلطنتی شد.

### تجارت در زمان خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱ م)

#### تجارت داخلی:

خسرو اول در سال ۵۳۱ م به پادشاهی رسید. وی حکومت را کاملا تجدید سازمان داد، در انتخاب دستیارانش فقط شایستگی را ملاک قرار داد و توجیهی به رتبه و مقام نکرد و بزرگ مهر مربی پسرش را به وزارت برگزید که وزیری ارجمند از کار در آمد. وی سپاه ملوک الطوائفی را بایک ارتش دائمی با انضباط و شایسته جایگزین کرد. نظم مالیاتی عادلانه تری ایجاد کرد و قوانین ایران را مدون ساخت برای اطلاع آبیاری مزارع سدها و ترعه های ساخت. زمین های بایر را با دادن گاو، وسایل کشاورزی و بذر به دهقانان حاصلخیز کرد. تجارت را با ساخت، تعمیر و نگهداری پلها و راهها رونق بخشید. (طبری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۴۹-۶۴۸) خسرو اول با تکیه بر این اصول که سرتاسر قلمرو داخلی خود به اجرا درآورد توانست لقب انوشیروان را برای خود به ارمغان آورد.

تجارت داخلی حکومت ساسانی تا آن زمان بر پایه اصول دین مردیسا بود، حکومت ساسانی بر دو پایه دین و مرکزیت استوار بود. خسرو اول در اولین اقدام خود کار نیمه

تمام پدر خود (قباد) را که دست به آن زده بود تمام کرد و ترتیب آن چنین بود: «...در کار خراج نظر کرد و آن را سخت بی ترتیب دید و پیش از وی چنان بود که از جایی سه یک موجود خراج بودی و از جایی پنج یک و همچنین تا شش یک رسید و رعایا از این سبب رنجور بودند پس او به قانونی واجب باز آورد به اتفاق وزیر و دیگر بزرگان و برجهان بدین حمایت کی یاد کرده آمد خراج نهاد،...» (ابن بلخی ، ۱۳۸۵: ۹۳) با این اقدام اصول و قوانین را در سرتاسر ملک خویش یکسان کرد.

خسرو اول برای اینکه تجارت در داخل مملکت خود را با امنیت و آرامش صورت گیرد دست به اقدامی زد که تا آن زمان بی سابقه بود. خسرو اول از میان روستائیان طبقه ی سرباز را به وجود آورد. وی برای آنکه بهتر بتواند از سرحدات دفاع کند، در آن مناطق قبایل مطیعی را که وظیفه متحدان رومی یا چینی را ایفا می کردند مستقر ساخت؛ استحکامات قوی در معبر «در بند» برای قطع راه مهاجمان بدوی بنا کرد، و دیواری به طول چند کیلومتر که قرب گوشه ی جنوب شرقی دریای خزر ساخته شد، دشت گرگان را حمایت می کرد، (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۳۰۸) این کار خسرو اول باعث شد که تجار در مناطق داخلی به راحتی رفت آمد کنند و از هجوم دشمنان در امان باشند. برای بهتر شدن داد و ستد و همچنین برای اینکه تجار در سطح بالای و بدون مشکلات در حال انجام امور خود باشند، دولت مجبور شد و سایل حمل و نقل در جاده ها و شهر و نهر و ایستگاه و کاروانسرا و آب انبار بسازد. عده مخصوصی برای این کار خدمت معین شده بودند و بر ایستگاههای سرحدی و بنادر دریایی مراقبت و نظارت داشتند. (بیات، ۱۳۶۸: ۲۰۳) نشان از اهمیت تجارت در آن دوره دارد به یک هدف در حکومت تبدیل شد.

اصلاحات خسرو اول در کشور تحول بزرگی به وجود آورد و سیستم اقتصادی را متحول کرد. نخستین تصمیمات شاه آن بود که املاکی را که در عهد تجاوز مزدکیان نصب شده بود، به صاحبان آنها بازگرداند و تدابیر لازم برای نجات دادن روستاها اتخاذ شد: قریه ها را مجددا بنا، جاده ها و پلها را تعمیر و قناتهای متروک را بازسازی کردند (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۳۰۸) که باعث رونق دوباره شهرهای کاروانی و تجاری گردید و همچنین برای عبور و مرور آسان، راههایی برای رونق تجارت ایجاد کرد. (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۰۵) از دیگر

اقدامات خسرو اول توجه به تجارت دریایی بود و از این طریق کالاهای صادراتی دیگر کشور به داخل ایران و کشور وارد می شدند. برای توسعه تجارت بندرهایی چون مسقط که در عمان در زمان وی ساخته شده بودند (دریایی، ۱۳۸۲: ۵۰) گویای این امر است و همچنین بندر سیراف و نزدیکی آن به اصطخر فارس که رابطه این دو بندر در جابه جایی کالا از طریق آن صورت می گرفت. محصولات عمده امپراتوری ساسانی، طلا و نقره و مس و بلورکوهی و مروارید نادرالوجود و غیره بود. صنعت گران این ملک پارچه های ابریشمی و قالی و چیزهای دیگر می بافند (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۱۵۵) که خواهان زیادی داشت. اجناسی چون مواد غذایی، حبوبات، شراب، خشکبار، روغن خوراکی که کمتر جنبه تجملاتی داشتند (فرای، ۱۳۸۴: ۵۷) در خارج کشور مشتری داشت. رونق تجارت داخلی تا آن حد پیش رفته بود، که در زمان خسرو اول قریب صد ضرابخانه بنا شد (ویلسن، بی تا: ۱۱۳) به طوری که در بندر سیراف که با جاده ای به فیروزآباد و نیز شیراز می پیوست، سکه های ساسانی بسیاری پیدا شده است (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) و این امر نمایانگر حجم گسترده تجارت کالا به صورت ((کالا به پول)) می باشد.

#### تجارت خارجی:

تجارت داخلی موفق زمینه حضور فعال و قدرتمند را در فعالیت تجارت خارجی که نقش تجار در آن شایان توجه است فراهم آورد. مهم ترین بخش تجارت خارجی در ارتباط با بیزنس و در مسائل اقتصادی آن باز می گشت کسب اهداف تجاری در بیشتر جنگهای خسرو اول قابل ردیابی است. برای بدست آوردن امتیازات بر سایر رقبا تنها هدف رسیدن به این مقصود را در دادو ستد بادیگر رقبای خود می دیدند و «...تجارت خارجی کاملا بر پایه ی اقتصاد و مبتنی برمسکوکات مستقر بوده است. تجارت خارجی به طور محسوس نسبت به قرون گذشته افزایش یافته و مخصوصا شامل امتعه ی گرانبها و مصنوعات تجملی که مورد استعمال دربار شاهی و طبقه ثروتمند اشراف ایرانی بوده، می شده است ...» (گریشمن ، ۱۳۸۸: ۳۴۳) واز این طریق سیاست تجاری خود را به اجرا درآوردند.

شاهنشاهی ساسانی در امر تجارت تا سریلانکا نیز با امپراتوری بیزانس رقابت و کشمکش داشتند و یک مهاجرنشین ایرانی مرکب از تجار در مالزی استقرار داشت. بلکه نیز با منطقه سیلان که مهاجرنشینان در آن جزیره مستقر بود رابطه داشتند و کشتی‌هایی از ایران به بندر آن جا می‌رفتند. تسلط ساسانیان در منطقه سند نیز از سکه‌هایی در آنجا یافت شده نشانه حضور یا نفوذ آنها می‌باشد. ساسانیان به منظور گسترش تجارت خود بندرهای دیگر در محل‌هایی نظیر مسقط در قرن ششم ساختند. کشتی‌هایی از هندوستان به عدن می‌رفتند در این بندر لنگر می‌انداختند. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)

تجارت زمینی از طریق جاده‌ها و راه‌های تجاری معروف آن زمان که «...شاهراه بزرگ تیسفون شروع می‌شد و از طریق حلوان و کنگاور بهمدان می‌رسید درهمدان راه‌های مختلف انشعاب می‌یافت یکی بسمت جنوب خوزستان و فارس گذشته به خلیج فارس منتهی می‌شد. دیگری به ری میرفت و از آن جا راه‌هایی از کوه‌های گیلان و البرز گذشته به بحر خزر می‌پیوست یا از راه خراسان و دره کابل به هندوستان اتصال می‌یافت راهی هم از ترکستان و حوزه تاریخ به چین...» (بیات، ۱۳۶۸: ۲۰۵) ختم می‌شد. نشان از حائز اهمیت بودن منطقه ایران برای عبور تمام کاروانها و مال تجاره‌های کشورهای شرقی با منطقه آسیای وسطی و هم‌چنین کشورهای غربی با این منطقه بود. با کشف برخی سکه‌های ساسانی در امتداد جاده ابریشم در شمال شرقی چین در مناطق چون اولوغ‌آرت (Ulughart)، سرباشی (Subashi)، بولداجین (Bogdachin)، آستانه (Astana)، قوجو (godjo) و یارخوت (Yarkhato) به دست آمده‌اند. این اکتشافات نشانه رونق بسیار تجارت «کالا به پول» ساسانیان با شرق آسیا است. (Daryae, 2003: 45-50).

درآمدهای حاصل از عوارض گمرکی و تجارت ترانزیت کاروانی امپراتوری بیزانس با هندوستان و چین که از طریق ایران صورت می‌گرفت یکی از عواید دیگر خزانه پادشاه بود (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۳۱۸) باعث تحریک خسرو اول شد. در آن زمان «...خسرو هیچ‌ده سال تمام را صرف تجدید سازمان کشور و ارتش و تهیه مقدمات جهت تجدید و موقعیت پیشین نظامی و سیاسی ایران کرد. زان پس پیمان خود با بیزانس را لغو کرد و در سال ۵۴۰ م بیشتر به منظور غارت به سوریه حمله برد...» (هرمان، ۱۳۷۳: ۱۳۷) تا به

زیر سلطه بردن این منطقه بتواند قلمرو خود را به سوی دریایی سیاه توسعه دهد و از آن طریق امپراتوری بیزانس را از راه دریا تهدید کند و از منافع تجاری آن منطقه برخوردار شود.

منطقه لازیکا<sup>۱</sup> (قسمت غربی گرجستان امروزی در کنار دریای سیاه به لازیکا معروف بود) به خاطر همجواری با دریای سیاه و تسلط بر این ناحیه برای ایران و بیزانس دارای اهمیت بود. امپراتوری بیزانس در شهر پترا<sup>۲</sup> (کناردریای سیاه) حاکمی معین کرده بود در این زمان حاکم آن جا تجارت را تحت انحصار درآورده بود (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۰۷) که باعث برانگیختن خشم ایرانی ها شده بود و برای تسلط بر آن وارد عمل شدند.

خسرو برای بدست آوردن این ناحیه، جنگ لازیکا را مقدمه ای پنداشت بر نقشه های دور و دراز تسلط بر جاده ابریشم و راه دریایی هندوستان که بعدها با دخالت ترکان و درین بدست آمد. خسرو با زیر سلطه درآوردن لازیکا برای مدت اندکی که موقعیت نظامی ساسانی با بیزانس را کاهش داد، اما شورش لازیکا سلطه ایرانیان را دچار مخاطره کرد که باعث شد بر اساس شرایطی خسرو ناحیه لازیکا را تخلیه کند. (فرای، ۱۳۸۸: ۵۲۲-۵۲۱)

خسرو اول برای دست یابی به مراکز تجاری مسیر جاده ابریشم از دست هیاطله مصمم تر شد و با کمک ترکها که در آن سوی قلمرو و هیاطله مستقر بودند با وجود اینکه خسرو اول پیش از این خاندان خاقان ترک زن گرفته بود (ابن اثیر، ۱۳۷۰، ج ۲: ۹۰، ۵) باعث اتحاد و محکم ترین آنها شد و «... انوشیروان [خسرو اول] بماورای بلخ تاخت و تاختلان رفت و خشنواز پادشاه هیاطله را به انتقام جدش فیروز بکشت و ملک او را بقلمرو خویش افزود...» (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۶۲) و به این طریق تجارت آن نواحی دست پیدا کرد.

ترکها با تسلط به راهها و مراکز تجاری جاده ابریشم و بدست آوردن غنایم و قدرت اقتصادی به یکی از رقبای تجاری شاهنشاهی ساسانی تبدیل شده بودند. سغد جزو قلمرو خاقان ترک شده بود و ارتباط آنها با چین آسان تر و نزدیکتر شده و تمام تجارت

1 -Lazika  
2 -Pitra

بین غرب و شرق به دست سغدیان افتاد (دیاکونوف ۱۳۹۰، ۳۶۱) تجار سغدی در تجارت دارای تجربه و مهارت بالا بودند با انتقال آن به ترکها که در امر تجارت بی تجربه بودند آنها را وارد عرصه تجارت بین المللی جاده ابریشم کردند. خاقان ترک برای عقد قراردادی با خسرو اول سفیری به دربار او فرستاد تا از طریق آنها و اتحاد و با بیزانسها به مقابله با خسرو بپردازد. با تحریکهای خاقان ترک موثر واقع شد و زمینه را برای درگیری میان بیزانس و ایران ایجاد کرد. (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۰۹)

خسرو اول از فرصت پیش آمده در یمن استفاده کرد و در آن زمان معدی کرب یکی از پسران ابرهه از دست برادر ناتنی خودش که به پادشاهی رسیده بود گریخت و خواهان کمک از سوی خسرو شد. خسرو ناوگانی با سپاهی اندک به فرماندهی و هرز به جایگاهی در نزدیکی عدن فرستاد و آنها به سوی پایتخت یعنی صنعا راندند و آنجا را تصرف کردند (فرای، ۱۳۸۸: ۵۲۳) و حبشی ها را از آن جا بیرون کردند و خسرو از این طریق یک مرکز تجاری برای دست یابی به تجارت شرق پیدا کرد.

در آن زمان با ایجاد پایگاههای نظامی در مرزها با اعراب بدوی، از هجوم آنها جلوگیری شده بود و «...تکیه گاه نظامی ساسانیان در جنگ با رومیان و حایل میان مرزهای غربی امپراتوری ساسانی و اعراب محسوب شد. در ضمن ملوک لخمی حافظ کاروان های تجاری ساسانیان بود که از صحرای عربستان عبور می کردند...» (صفری، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۳) و تجارب آن نواحی را تحت پوشش خود قرار داده بود.

ساسانیان، مندر سوم (۵۵۴-۵۳۰ م.) را حاکم بخش بزرگی از عربستان شرقی نمودند، که شامل بخش بحرین، عمان، یمامه، نجد و حجاز تا طائف را در بر می گرفت. از این جا نفوذ ساسانیان تا یثرب (مدینه) نیز اعمال می شد؛ چرا که آنان دو طایفه یهود این ناحیه؛ یعنی بنی نضیر و بنی قریظه را حمایت می کردند تا منافع ساسانیان را در عربستان غربی حفظ کنند. ساسانیان با برتری بر شهر یثرب توانستند شاهراه تجاری را که از یمن به مکه و سپس به یثرب و از آن جا به مرزهای امپراتوری بیزانس می رسید در اختیار خویش قرار دهند. (پوریانژاد، ۱۳۸۴: ۸۶-۸۵)

خسرو اول در اثنای سلطنت خود قلمرو و ساسانیان را وسعت بخشیده و تجارت خارجی با ملل دیگر را تحت سلطه خود در آورده بود. وی در اواخر پادشاهی خود با کشاندن پای

سپاهیان ایران برای نخستین بار به جنوب عربستان و تسلط بر آن نواحی، که بیزانسیها و پیش از آنان امپراتوری روم دارای علقه اقتصادی آشکار درحیثه و جنوب عربستان بودند، بر بخش پائین دریای سرخ و تجارت با هم نظارت داشتند (پارشاطر و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۴۵) را زیر سلطه خود در آورد و از تجارب خارجی علیه دشمنان خود بهره جست.

### تجارت در زمان هرمز چهارم (۵۹۱-۵۷۹ م.)

هرمز چهارم پسر خسرو اول و از دختر خاقان ترک بود که بعد از پدر بر اریکه قدرت تکیه زد و برخی از اصول پدر را تعقیب کرد ولی با قدرت بزرگان به مخالفت پرداخت و خواهان یاری ضعیفان بود که بعدها همین حمایت باعث کینه توزی اشراف و بزرگان نسبت به وی شد. هرمز چهارم در سیاست تجاری راه پدر را پیش گرفت و به مقابله با امپراتوری بیزانس پرداخت و خواهان تسلط بر تجارت شرق بود که در این زمان ترکها با بهره برداری از گرفتاریهای ساسانیان در غرب، شمال شرقی را مورد تاخت و تاز قرار دادند و هرمز چهارم ارتش به فرماندهی بهرام چوبین، نجیب زاده ایرانی برای دفع ترکان فرستاد (هرمان، ۱۳۶۸: ۱۳۹) بهرام توانست خان بزرگ ترکها را از بین ببرد و شورش آنها را سرکوب کند و طلا و جواهرات بدست آمده از آنجا را با ۲۵۶ شتر که برای حمل آن لازم بود بیاورند. (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۱۲)

یکی از علت های که هرمز چهارم در آن مقطع در دو منطقه به جنگ با دشمنان پرداخته بود، به خاطر تاخت و تازهای ترکان و هم زمان با دست اندازی بیزانسیان و حمله های گاهگاهی عربان در سوی غرب به قصد پایان بخشیدن برانحصار ساسانیان در بازرگانی شرق و غرب بوده است. (فرای، ۱۳۸۸: ۵۳۲) که هرمز با یاری سردار خود توانست موفق باشد و ناحیه ترکستان را که از لحاظ تجاری دارای اهمیت بود را به زیر سلطه خود قرار دهد. هرمز بعد از سرکوب ترکان بهرام چوبین را به مقابله با بیزانسیها در منطقه لازیکا فرستاد تا از نواحی مهم تجاری در منطقه دریایی سیاه حفاظت کند. اما بهرام شکست خورد و هرمز که از قدرت و نفوذ سردار خود نگران بود و به جای کمک دوک دان و جامه زنان فرستاد (پیرنیا، ۱۳۷۸: ۲۱۲) که سبب تیرگی رابطه بهرام چوبین



و هرمز و طغیان این سردار شد، بزرگان و اعیان نیز در آن بی تاثیر نبودند. در مجموع اقدامات امپراتوری ساسانی در آن زمان در مرزها باعث شد سیاست تجاری موفق داشته باشند. بهرام چوبین از اطاعت پادشاه سر زد و آنگاه بهرام به حيله درهم هایی به نام خسرو پرویز سکه زد و کسانی از تجار را مامور کرد تا آن را در دربار هرمز چهارم خرج کنند و مردم با آن دادوستد کنند (مسعودی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۶۶) به طوری که هرگونه ضرب زر (آلتهايم و استیل، ۱۳۸۲: ۱۴۰) در زمان سلطنت یک پادشاه توسط دیگری ممنوع بود و حاکی از ادعای استقلال بود که باعث شد خسرو پرویز از دربار فرار کند. هرمز چهارم یکی از فرماندهان بزرگ خود را به جنگ بهرام چوبین فرستاد ولی موفقیتی بدست نیاورد و توسط بهرام کشته شد. در آن زمان که بزرگان از رفتار هرمز به ستوه آمده بودند از موقعیت بدست آمده استفاده کردند و وی را به زندان انداختند و چشمهایش را کور کردند. (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۹۹) پایان غم انگیز سلطنت هرمز چهارم مقدمه ای بود برای تضعیف سلسله ساسانی و در نهایت هرمز چهارم در ناکامی سیاست داخلی ضربه سنگینی بر فعالیت های تجاری در اواخر حکومت خود وارد کرد.

#### تجارت در زمان خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۱ م)

خسرو پرویز زمانی که به سلطنت رسید هنوز شورشهای داخلی خاتمه نیافته بود و قدرت خود را با کمک امپراتوری بیزانس تثبیت کرد. در زمان مذاکره بین خسرو دوم با ماوریکوس، «... خسرو به ماوریکوس وعده داد که تمام ارمنستان و گرجستان به استثنای متصرفاتی که در این کشورها به مرزبان ایران تعلق دارد و مقدار زیادی از اراضی بین النهرین با شهرهای دارا و میا فارقین را ...» (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۳۵۵) در ازای کمک های امپراتوری بیزانس در سرکوب شورشها به وی واگذار نماید. وقتی که خسرو به تخت نشست، آن مقدار از اراضی که وی وعده داده بود به بیزانس منتقل شد. (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۳۵۵) با این واگذاری امپراتوری بیزانس می توانست تجارت آن مناطق را در انحصار خود قرار دهد و دست امپراتوری ساسانی را از آن نواحی کوتاه کند. خسرو پرویز به ترتیب اصول کشوری و درباری پرداخت و پس از دفع شورش و سرکوب بهرام در مملکت خود نظمی افکند. در کشاورزی با وجود بارسنگین مالیاتی و برداشت دولت

مرکزی، که به جای مالیات بر محصول احساس می شد. (آلتهاپیم واستیل، ۱۳۸۲: ۱۷۱) همچنین با وجود خالی بودن خزانه سلطنتی و با امپراتوری بیزانس در صلح بودند، با به حداقل رساندن مالیاتها به تحکیم موقعیت اقتصادی کشور پرداخت. حاکمان باج گذار بنابر سیاست تمرکز گرایی شاهنشاهی ساسانی مجاز به ضرب سکه نبودند. این رویه باعث رواج یک سکه واحد و یک شکل منجر شد. خسرو پرویز به پیگیری همین سیاست به ایجاد تثبیت یک نظام گسترده پولی دست زد و مسکوکات یک دست تری را متداول ساخت. وی برای رسیدن به این مقصود سرسکه های جدید را درسیزدهم و سی ام حکومتش ساخته و آنها را به ضرابخانه های تمام قلمرو خود ارسال کرد تا از روی آن نمونه هاسکه ضرب کنند (Sears, 1999: 149-165) این اقدام خسرو پرویز باعث شد که کار تجار در داد و ستد آسانتر گردد و دیگر نیاز نبود کالاهای خود را مبادله با کالا کنند بلکه به پول تبدیل کنند.

فتوحات گسترده خسرو پرویز در مصر و سراسر شرق مدیترانه بازارهای گسترده ای در اختیار تجار ایرانی گذاشت. پس از تصرف مصر سرچشمه عمده گندم در سال ۶۱۹ میلادی به دست ایرانیان افتاد بود (فرای، ۱۳۸۸: ۵۳۵) و خسرو پرویز توانست وسعت قلمرو خود را تا حدود امپراتوری هخامنشی برساند و همچنین سکه های خود را در صد بیست مکان ضرب میکرد. (ویلسین، بی تا: ۱۱۳) که نشان از رونق تجاری و اقتصادی در زمان وی دارد. با روی کار آمدن هراکلیوس که خواهان تصرف مناطق بعد از مرگ موریس توسط خسرو پرویز به قلمرو خود افزوده بود، وضعیت تغییر کرد. خسرو که در خوش گذرانی و از پیروزیهای بدست آمده سرمست بود، حملات هراکلیوس وی را در قلمرو خویش تهدید کرد «...ایام پادشاهی خسرو بواسطه سرسپردگی به تجمل و خوشگذرانی شهرت داشت نه هواخواهی از اندیشه و تفکر» (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۶۸) با پیشروی امپراتوری بیزانس و تسلط به راههای تجاری و بازرگانی به نسبتی از تجارب ساسانی با دولتها دیگر کاسته شد.

## واردات در زمان ساسانیان

تجارت در قلمرو حکومت ساسانی دارای رونق و توسعه بود. با برقراری امنیت و آرامش در تمام مسیر کاروانهای تجاری، ارتباط تجار شرق و غرب به ایران افزایش پیدا کرد و تجارت را در سطح بین‌المللی گسترش پیدا کرده بود. معروف‌ترین و «مهم‌ترین کالایی که به صورت ترانزیت از ایرانی می‌گذشت، ابریشم بود...» (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۱۵۳) که از چین وارد می‌شد و ایران با تحت انحصار درآوردن آن، این کالا را به کشورهای غربی صادر می‌کرد و بندرها مراکز مهم بازرگانی بودند که تنها کالا از آن جاها به شهرهای داخلی وارد می‌شد، بلکه توقف گاهی برای بارها محسوب می‌شد که از بین النهرین به سوی آسیا و شرق آفریقا و بالعکس روان بودند. (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) کالاهایی که وارد سرزمین ساسانیان می‌شد مردم خواهان آن بودند که عبارت انداز «... ظروف سفالین تجملی، مصنوعات شیشه‌ای سوری، فلسطینی و اسکندری به ایران وارد می‌شد. مبادله منسوجات و تجارت البسه بسیار قابل توجه بود. عنبر را از بحرالسود وارد می‌کردند، ادویه معطر را از چین و عربستان به عنوان ترانزیت می‌آوردند...» (گیرشمن، ۱۳۸۸: ۳۳۴؛ بیات، ۱۳۶۸: ۲۰۴) و از هند ابریشم، ادویه و سنگهای گران بها وارد می‌شد. (پیرنیا، ۲۰۴: ۱۳۷۸) سنگهای قیمتی در دربار شاهنشاهی خواهان زیادی داشت. ساسانیان محصولات باغی از جمله «... زردآلو و هلو از چین...» (محمود آبادی، ۱۳۷۶: ۱۳۰) را وارد می‌کردند. خواهان «تجارت و خرید کالا از سوریه که برخی از محصولاتش نظیر بلوری...» (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۰۸) بودند که تحت سلطه خود قرار دهند و از آن در مقابل امپراتوری بیزانس به کار می‌برند بیشترین اجناس و مواد لبنی و غیره از چین به ایران صادر می‌شد که نشان از روابط تجاری دو امپراتوری می‌باشد. شاهنشاهی ساسانی برای اینکه محصولات وارداتی را با کیفیت عالی در بازار قرار دهد تا از دیگر محصولات داخلی مستثنی باشد و به همین خاطر «... مهرهای ساسانی در یک زمان برای مهر کردن بسته‌های کالاهایی که برای فروش در نظر گرفته بودند به کار می‌رفتند در این صورت می‌بایست دارای نشان شرکای تجاری و مهر رسمی روحانیت یا

همارکار باشد...» (یارشاطر و دیگران، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۴۴) به غیر از این بود که چه کسی یا شرکتی این جنس را وارد و نشان ضمانت آن محسوب هم می شد.

### صادرات در زمان ساسانیان

صادرات ساسانیان به دیگر مناطق و سطح بالایی صورت می گرفت. از این راه درآمد زیادی عاید خزانه شاهنشاهی می شد. مبدا حرکت کالاها از پارس بود (دریایی، ۱۳۴۸: ۱۱۰) به خاطر نزدیکی آن به بندر سیراف (بوشهر کنونی) و از آن جا از طریق دریا به دولتها ی خواهان کالاهای ساسانیان فرستاده می شد. کالاهایی که از طریق ایران صادر می شد را می توان «... طلا، نقره، فیروزه، مروارید، مرجان، الماس شیشه ای شفاف و تار، بلور، پولاد، مس، جیوه، قالی، قالیچه، انواع منسوجات و پنبه ای و ابریشمی، چرم، زردچوبه، کندر فلفل، شکر، ارزن، خرما، مازو، نمک، موادخوشبو، عنبر، چوب سبز، هلیله، گندم، جو، برنج و از حیوانات اسب، قاطر، خر، شترمرغ، فیل، ... آهن و فولاد...» (بیات، ۱۳۶۸: ۲۰۵-۲۰۴) نام برد که در مناطق شرقی و غربی خواهان زیادی داشت.

بیشتر صادرات کالاهای امپراتوری ساسانی به چین بود. چیزهایی که چین از ایرانی می خرید، یکی وسمه معروف ایرانی بود و قالی های بابلی نیز خواهان بسیار داشت. احجار قیمتی طبیعی و مصنوعی شام و مرجان، مروارید بحرا حمر و منسوجات شام و مصر و مواد مخدره آسیایی قدیمی از جانب ایران به چین فرستاده می شد (کریستین سن، ۱۳۸۸: ۱۵۳) و «...اسب های ایرانی را با کشتی به سیلان می فرستادند...» (دریایی ۱۳۸۴: ۱۰۳) و غیر از این اقلامی چون منسوجات زربفت پارچه ای و البسه ابریشمی و پرمغ وزرد زری و پوست (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۳۴۰؛ قدیانی، ۱۳۸۴: ۱۷۳) توسط بازرگانان ایرانی به دیگر نقاط صادر می شد و در روابط تجاری ایرانیان کمک های زیادی کرده است.

شاهنشاهی ساسانی با خریداری ابریشم از چین، این کالاها را به امپراتوری بیزانس صادر می کرد که صادرات ابریشم را به نقاط غربی در دست گرفته بود. بیزانسیان درصد

بودند تا از طریق کارشکنی در کار تجار ایران انحصار این کالا را از دست ایرانیان خارج کند و بدون واسطه آن را دریافت کنند.

بازرگانان با ایجاد کارگاه‌های پارچه بافی در کشور ابریشم خام را به پارچه های مرغوب تبدیل می کرد «پارچه های زمان ساسانی در تمام دنیا معروف و ایران در صنعت نساجی از تمام کشورهای جهان پیش بود. پارچه های ابریشمی و سایر قماش ایران در اروپا و قطعات دیگر دنیا خریدار زیاد داشت» (ویلسن، بی تا: ۱۱۶) امپراتوران بیزانس و اعیان، بزرگان از جمله کسانی بودند که خواهان پارچه های امپراتوری ساسانی بودند. شاهنشاهی ساسانیان برای فروش کالا از مهرهای گلی (دستینه های گلچین) استفاده می کردند (فرای، ۱۳۸۴: ۵۷) شمار زیادی از این مهرهای گلی متعلق به عصر ساسانی در شرق دور به خصوص در ((مانتا)) ی (manta) سریلانکا پیدا شده اند. (frye, 1973: 546) این کشف وجود صادرات ساسانیان در آن مناطق را تایید می کند.

### نتیجه گیری

در دوره ساسانیان تجارت به رکن اساسی و تعیین کننده ی سیاست دولت تبدیل شده بدین معنا که ساسانیان با وامداری میراث گذشتگان دریافتند که تجارت می تواند به عنوان حربه ای موفقیت آمیز علیه رقیب دیرینه خود یعنی امپراتوری بیزانس مورد استفاده قرار گیرد. با کمی دقت در طولانی بودن جنگهای ایران و بیزانس در می یابیم که این دو قدرت از لحاظ سیاسی - نظامی نیروی نسبتا برابر داشتند. هیچگاه هیچکدام آنها پیروز واقعی میدان نبرد نبودند. بنابراین تنها چیزی که سرنوشت این منازعات را تعیین میکرد تجارت بود. فراوانی شهرهای تجاری در ناحیه ایران در زمان ساسانیان از گسترش داد و ستد در آن دوران حکایت می کند. حیات سیاسی اقتصاد امپراتوری در آن زمان کاملا وابسته به تجارت بود و نظارت شدید پادشاهان ساسانی بر تجارت و همچنین کنترل آن نشان دهنده اهمیت و رقابت تجارت با دیگر سرزمین ها پیروز واقعی این رقابت را تعیین می کرد. در نتیجه موجب تسهیل داد و ستد داخلی و خارجی امپراتوری ساسانی در منطقه شد و بازرگانان ایرانی را سرآمد آن دوران ساخت. اگرچه

این دستاوردها با شروع بحرانهای جانشینی و منازعات خانوادگی بین ساسانیان متاخر رویه افوال گذاشت اما با ورود اسلام و به کاربردن شیوه آنها دوباره شکوفایی خود را بدست آورد.

### منابع و ماخذ

- ابن اثیر . عزالدین، (۱۳۷۰)، **تاریخ الکامل**، ترجمه: سید حسن روحانی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ابن بلخی، (۱۳۸۵)، **فارسانامه** ، ترجمه : گای لیسترانج و رینولد نیکسون ، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- آلتهایم. فرانتیس واستیل روت، (۱۳۸۲)، **تاریخ اقتصاد دولت ساسانی**، ترجمه : هوشنگ صادقی، تهران: علمی فرهنگی.
- بیات. عزیزالله، (۱۳۶۸)، **کلیات تاریخ و تمدن ایران**، چاپ سوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- پوریانژاد. فرهاد، (۱۳۸۴)، **خلیج فارس در مسیر تاریخ ایران باستان**، مجموعه مقالات همایش بین المللی خلیج فارس در گستره تاریخ، جلد دوم، به اهتمام منتظر القائم، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۷۱-۹۲.
- پیرنیا.حسن،(۱۳۷۸)، **ایران قدیم** (تاریخ مختصر ایران تا انقراض ساسانیان )، چاپ دوم، تهران :اساطیر.
- دریایی .تورج، (۱۳۸۴)، **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- دریایی.تورج،(۱۳۸۲)، **تاریخ و فرهنگ ساسانی**، ترجمه :مهرداد قدرت دیزجی ،چاپ اول، تهران :ققنوس.
- دیاکونوف .م.م ، (۱۳۹۰)، **تاریخ ایران باستان**، ترجمه : روحی ارباب، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.

- صفری .مسعود ، (۱۳۸۱)، **حیره عامل انتقال فرهنگ**، فصلنامه تاریخ اسلام، سال سوم، شماره ۱، ص ۴۰-۵.
- طبری .محمد بن جریر،(۱۳۷۵)، **تاریخ طبری**، ترجمه :ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، چاپ پنجم، تهران :اساطیر.
- فرای. ریچارد نلسون،(۱۳۸۸)، **تاریخ باستان ایران**، ترجمه :مسعود رجب نیا، چاپ چهارم، تهران :علمی فرهنگی.
- فرای. ریچارد نلسون، (۱۳۸۴)، **گستره تجارت درامپراتوری ساسانی**، مجله اقتصاد (توسعه و بیمه) شماره ۳، ۵۶-۵۷.
- قدیانی. عباس،(۱۳۸۴)، **تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان**، چاپ دوم، تهران:فرهنگ مکتوب.
- کریستین سن. آرتو،(۱۳۸۸)، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه :رشید یاسمی، چاپ اول، تهران :راستی نو.
- گیرشمن.رومن،(۱۳۸۸)، **تاریخ ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه :محمد معین، چاپ اول، تهران :سپهرادب.
- محمود آبادی .سید اصغر،(۱۳۷۶)، **نخستین روزگاران در جاده ابریشم**، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۸، چاپ ۲ و ۱، ص ۱۱۹-۱۳۸.
- مسعودی. ابوالحسن علی بن حسن، (۱۳۶۵)، **مروج الذهب**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، جلد ۱، تهران: علمی فرهنگی
- ویلسن. ج کریستی،(بی تا)، **تاریخ صنایع ایران**، ترجمه :عبدالله فریار، تهران:فرهنگسرا.
- هرمان.جورجینیا، (۱۳۷۳)، **تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان**، ترجمه مهرداد وحدتی، چاپ اول تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- یارشاطر. احسان و دیگران، (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران (کمبریج)**، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه: حسن انوشه، جلد سوم (قسمت اول)، چاپ ششم، تهران: امیر کبیر.
- یارشاطر. احسان و دیگران، (۱۳۸۹)، **تاریخ ایران (کمبریج)**، گردآورنده: احسان یارشاطر، ترجمه: حسن انوشه، جلد سوم (قسمت دوم)، چاپ پنجم، تهران: امیر کبیر.



- Daryae.Turay, (2003),**the persianguif trade in late on tiguity**, journal of world history,vol.14 ,no.1,:p45-50.
- Frye. Richard,(1973), **sasanian remains from qasri abunasr, seal, sealingsand coins**. harrard unirersity peess bullae.iranica encyclopedia , rol. 4, pp:545-5.
- Sears.stuart, (1999), **monetary rerision and monet ization in the late sasanianempire**, studia iranica, pp: 749-76.